استشهاد آیت‌الله سیستانی بر شروع ماه از غروب به رویت حمام و رویت اهل بطن نخله

صفحه هشتم از کتاب «اسألة حول رویة الهلال و اجوبتها» بودیم. فرمودند:

> **و بالجملة ما ذکر من الفرق بین حالات القمر و بین اللیل و النهار و ان کان ثابتا فی الجملة، و لکنه لا یقتضی بوجه البناء علی انه بخروج القمر عن تحت الشعاع یبتدی الشهر القمری الجدید لاهل الارض جمیعا فی تمام الاصقاع و البقاع-کما ادعاه قدس سره فی البیان المتقدم- الا اذا ثبت ان العرف الممضی من قبل الشرع المقدس قد اتخذ بدایة الشهر القمری ما ذکر ولکن هذا غیر صحیح قطعا، و الا لزم ان تکون بدایة الشهر القمری لنصف الکرة الارضیة فی اثناء النهار و هو ما لا یساعد علیه العرف، فان الشهر یبتدأ عند العرف من اللیل.[1]**

«و بالجملة ما ذکر من الفرق بین حالات القمر و بین اللیل و النهار و ان کان ثابتا فی الجملة»؛ یعنی خروج قمر از تحت‌الشعاع همانطور که استاد فرمودند ظاهرة سماویة است، ما هم قبول داریم.

«و لکنه لا یقتضی بوجه البناء علی انه بخروج القمر عن تحت الشعاع یبتدی الشهر القمری الجدید لاهل الارض جمیعا فی تمام الاصقاع و البقاع کما ادعاه قدس سره فی البیان المتقدم»؛ اصلاً ملازمه‌ای ندارند.

«الا اذا ثبت ان العرف الممضی من قبل الشرع المقدس قد اتخذ بدایة الشهر القمری ما ذکر»؛ یعنی به محض اینکه از تحت‌الشعاع خارج شد، در تمام کل کره، ابتدای شهر مبارک باشد . «ولکن هذا غیر صحیح قطعاً»؛ این قطعاً درست نیست. چرا؟ استدلالی دارند که استادشان هم قبول دارند. اگر بگوییم شروع ماه صرف خروج آن از تحت‌الشعاع است: **«و الا لزم ان تکون بدایة الشهر القمری لنصف الکرة الارضیة»؛** چون کلاً، در هر لحظه نصف کره زمین شب است و نصفش روز است. وقتی قمر از تحت‌الشعاع خارج شد، نصفی که روز است باید ابتدای

شهر قمری باشد که این هم قطعاً باطل است. خود استاد ایشان هم قبول ندارند. **«و وه ما ال یساعد علیه العرف، فان الشهر یبتداء عند العرف من اللیل».**

> **و هذا وه المستفاد من النصوص الشرعیه ایضا. ففی معتبره حماد بن عثمان عن ابی عبدالله علیه‌السلام، اذا راوا الهلال قبل الزوال فهو لللیله المامضیه و اذا راوه بعد الزوال فهو لیلته المستقبله. و فی خبر عمر بن یزید قال: قلت لابی عبد الله علیه‌السلام ان المغیریه یزعمون ان هذا الیوم لهذه اللیله المستقبله قال ع کذبوا هذا الیوم لللیله المامضیه ان اهل بطن النخله حیث راوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام[2]**

«و هذا وه المستفاد من النصوص الشرعیه ایضا. ففی معتبره حماد بن عثمان عن ابی عبدالله علیه‌السلام، اذا راوا الهلال قبل الزوال فهو لللیله المامضیه»؛ قبل از زوال دیدن اما برای دیشب است. پس شروع ماه از دیشب بوده. ولو قبل از زوال فردا، آن را دیدند.

«و اذا راوه بعد الزوال فهو لیلته المستقبله. و فی خبر عمر بن یزید قال: قلت لابی عبد الله علیه‌السلام ان المغیریه یزعمون ان هذا الیوم لهذه اللیله المستقبله»؛ اگر امروز اول ماه مبارک است، اولین شب ماه مبارک هم بعد از امروز است. نه اینکه دیشب باشد. مغیریه به این صورت زعم داشتند. حضرت فرمودند: **«کذبوا هذا الیوم لللیله المامضیه»؛** ماه از دیشب شروع شده. به یک کار عرفی استشهاد کردند. **«ان اهل بطن النخله حیث راوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»؛** هلال را که دیدند گفتند «قد دخل الشهر». پس شب، قبل است. چون آنها شب اول ماه رجب را جزء ماه حساب کرده‌اند. نگفتند فعلا صبر کنید تا ماه رجب از فردا شروع شود.

شاگرد: مرحوم آقای خوئی با اشتراک در شب مشکل را به چه صورت حل کردند؟ مشکل اینکه با خروج قمر از تحت‌الشعاع ماه شروع شود، این است که برخی از جاها روز است. اما این مشکل با صرف اشتراک در شب حل می‌شود؟!

استاد: در نامه اول مرا‌سلات که به قلم خودشان بود، همین نکته را تذکر می‌دهند. یعنی من که گفتم «ظاهره سماویه» است و ماه شروع می‌شود، مقصودم این بوده که ربطی به آفاق ندارد. این را قشنگ توضیح می‌دهند. کاری که برای آسمان است چه ربطی به تهران و کابل و نیویورک دارد؟! می‌فرمایند منظور من تنها همین بود. لذا ایشان هم گفتند «ثابت فی اصله». می‌گویند بعد از اینکه این را فهمیدیم، من مضایقه‌ای ندارم که بگوییم بدء الحساب و اینکه بگوییم اول ماه چه زمانی است، از شب شروع می‌شود. پس چرا اشتراک شب را گفتند؟ چون مشکلشان این بوده که خلاصه باید از شب شروع کنیم. همین عرفی است که ایشان هم می‌گویند. گفتند خُب هر کجا شب است، از شب شروع می‌شود. روز دیگر گذشت. ولی هر کجا شب است، یخیّم علیه خیمة اللیل. عبارتی که در مرا‌سلات داشتند.

شاگرد: خُب اینکه یک گزینه است، گزینه‌های دیگری هم دارد.

استاد: خُب آن چه که فعلاً بر می‌آید این است. دیروز عرض کردم و امروز هم ادامه می‌دهم.

ایشان ذیل صفحه نهم می‌فرمایند: **«بان العبرة فی دخول الشهر القمری فی کل مکان بامکانیة روءیة الهلال فی افق ذلک المکان».** فرمودند دو راه دارد: یک راه استاد است و یک

راه هم این است؛ کلمه «امکانیة رویة الهلال فی افق ذلک المکان». ایشان این را دارند و بعداً هم سه فتوایی که داشتند عوض شده و در ادامه می‌گویند باید به آلات دقیقه مراجعه شود که من عرض کردم این سؤال در ذهن ما آمده که چطور با خود مبانی سهولت جمع می‌شود!

روی این مبانء دقت کنید. یعنی وقتی کتابی را می‌خوانید و روی عبارات نگاه طلبگی دارید، مواظب باشید که کجا دارد اتخاذ مبانء می‌شود و این مبانء چه لوازمی را در بانءات، بر صاحب مبانء تحمیل می‌کند. اینها مهم است. تشخیص در عبارات است.

---

[1] اسألة حول رویة الهلال و اجوبتها، ص۸

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 11:39:25 توسط Admin
به روزرسانی شده 4 مه 2026 11:42:01 توسط Admin